

از گذشته تا به حال رژیم مذهبی حاکم بر ایران، همه کم و بیش آگاه هستند و نیازی نیست که در این کوتاه مطلب به آن پرداخت، هر چند هر پدیده ای بر بستر پیشینه خود شکل امروز خود را میابد و قابل بررسی است. نکات اساسی که در این نمایش انتخاباتی میشود به آن پرداخت اینچنین دیده میشود:

#### تضاد در بالا:

روند اقتصادی - سیاسی سرمایه در سطح جهانی آن شرایطی را بوجود آورده بود که در کشورهایایی که ثبات سیاسی نداشتند و تضادهای درونی جناحین آن امنیت سرمایه را تامین نمیکرد، این تضادها را به سوی تعیین تکلیف نهایی با این مانع میکشانند. در ایران هم تضاد جناحین و عدم ثبات سیاسی، عدم وجود امنیت سرمایه و سیکل خسته کننده بحران زائی و سازی شرایطی ویژه ای را بوجود آورده بود. این به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری نقطه تعیین و تکلیف نهایی با این سیکل معیوب بود. جناح اصلاح طلب با ارائه برنامه اقتصادی خود، سیاست برنامه خود را بطور مشخص در جهت خصوصی کردن سرمایه براساس برنامه های مشخص بانک جهانی و ثبات سیاسی در جهت امنیت سرمایه اعلام کرد. در حاشیه هم با توجه به خواسته های عمومی مردم در زمینه اقتصادی - اجتماعی و حقوق شهروندی، فضای تبلیغاتی خوبی را برای این جناح در برابر جناح مقابل که در 4 سال اخیر در افزایش تورم، بیکاری، فقر نقش بسزای داشت و هرگونه حق شهروندی را هم از مردم دریغ کرده بود، میداد. اما خصوصی کردن شرکت های صنعتی، نفتی، واردات و صادرات و غیره که بیشترین آنها یا در کنترل نهاد رهبری ولایت فقیه (همچون بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و ...) که بخش قابل توجه ای از اقتصاد ایران را در اختیار دارند و تحت هیچ نظارتی نیستند و یا بخشی از صنایع و کارخانه ها و بنادر که بشکل وسیعی تحت کنترل سرداران و نظامیان است که آحمدی نژاد نماینده این بخش هم هست، این کار را دشوار میساخت. با مرور مناظره های کاندیدها باهم که در انتهای آن برای اولین بار و بطور رسمی در مقابل دید همگان به افشای دزدی گرگی همدیگر پرداختند، این تضادها را برجسته میساخت بوضوح آشکار است.

رژیم در کلیت و هر جناح براساس اهداف برنامه خود در جنبه تبلیغاتی و برای کسب مشروعیت در چشم جهان سرمایه (جناح نظامی مذهبی برای کسب مشروعیت و جناح اصلاح طلب با برجسته کردن ناکارایی دولت نهم و استفاده بهینه از خواسته های وسیع مردم) از این تضادها در جهت به پای صندوق کشاندن بخش وسیعی از آرای خاموش و تحریم کنندگان استفاده کرد. باید اذعان کرد که در این امر موفق عمل کرد.

مشخصا اگر کاندیدای جناح اصلاح طلب پیروز این انتخابات اعلام میشد، برای مدتی فشار عمومی را میشد کم کرد همانگونه که در دوران خاتمی این سناریو اجرا شد ولی تنش و درگیری در سطوح بالای حاکمیت گسترش پیدا میکود و نمیشد پیش بینی کرد که به کجا خواهد انجامید. بنابراین جناح نظامی - مذهبی برای تضمین پیروزی خود برنامه ریزی کرد که ریسک بالای داشت. این جناح بدون در نظر گرفتن نتیجه انتخابات یک هدف داشت و آن از میدان خارج کردن جناح رقیب بود و فکر میکرد که فاکتور مردم را میشود کنترل کرد. به همین دلیل هم بود که در روز رای گیری برای اطمینان از موفقیت برنامه اش، اول از همه دست به مانور قدرت در تهران و شهرهای بزرگ ایران توسط نیروی های نظامی خود زد و سپس نمایندگان کانیدها را که نقش ناظر بر رای گیری و شمارش آرا را داشتند از محل های رای گیری بیرون کرد.

نقطه جالب توجه در روز رای گیری که نشانه اوج اختلاف و تنش بین این دو جناح بود، در کنفرانس مطبوعاتی موسوی بود. در زمانی که شمارش آرا به نیمه رسیده بود، موسوی اعلام پیروزی کرد و اعلام کرد هرگونه نتیجه ای غیر از آن قابل پذیرش نیست. نقطه مقابل اما ساعات اولیه صبح روز شنبه بود که نتایج آرا پیروزی احمدی نژاد را نشان میداد. در همان روز ستاد جناح موسوی با محاصره در میابد و هرگونه تجمع غیرقانونی اعلام میشود. بدینگونه رژیم تصمیم داشت حاکمیت را یکدست کند. اما هر دو جناح فاکتوری اساسی را از یاد برده بودند.

#### فشار از پایین:

عموم مردم، کارگران، زحمتکشان، زنان، معلمین، دانشجویان که 30 سال فقر، بی عدالتی، سرکوب، زندان و بی حقوقی را چشیده بودند و در برهه های از این دوره نارضایتی و اعتراض خود را به اشکال متفاوت نشان داده بودند و هر از چندی با استفاده از تضاد جناحهای رژیم سعی در مطرح کردن خواسته های پایه ای خود می کردند، در این دوره انتخابات ریاست جمهوری برای فرار از

فشارهای مضاعف جناح نظامی مذهبی از کوچکترین روزنه موجود، تضاد بین جناحین، سعی وسیعی در جهت مطرح کردن خواسته های خود کردند. از یک نگاه شرکت وسیع مردم در این رای گیری نشانگر "نه" بزرگی بود به کلیت نظام ولایت فقیه و از نگاهی دیگر تغییری هرچند کم در شرایط غیرقابل تحمل موجود بود. شوق و شور بوجود آمده از این انتخابات و از پرده برون افتادن همه چهره ها و ریختن قبح ولی فقیه و انزجار از اینهمه تحقیر، مردم را با اطمینان خاطر از شکست احمدی نژاد، باوری تازه داد. شاید اینکه فعلا احمدی نژاد بره تا بعد یک کاریش می کنیم.

اما پس از اعلام آرا مردم مبهوت از شکست باور خویش، برایشان قابل پذیرش نبود که 4 سال دیگر و شاید هم بمدت طولانی تری، شرایطی مشابه آنچه در چهار سال گذشته و شاید هم بدتر از آن را باید تحمل کند.

درگیری در بین بالایی های قدرت بر سر نتیجه انتخابات، فرصتی بود بر انفجار جامعه ای که 30 سال بود صغیر شمرده میشد و دیگران برایش تصمیم می گرفتند. اختلافات جناحین رژیم، بادی بود بر آتش زیر خاکستر.

اعتراض وسیع و بی سابقه مردم در سراسر ایران کلی نظام را به وحشت انداخت. جناح اصلاح طلب سعی بر آن دارد که با کنترل این اعتراضات، بعنوان اهرم فشاری بر جناح دیگر استفاده کند و اما جناح دیگر میدانده که دیگر راه برگشتی ندارد. اگر عقب نشینی کند کل نظام ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن را از دست رفته خواهد دید، پس با حمله به تظاهرات و کشتن مردم سعی در ایجاد فضای ارباب و پس راندن مردم کنند و از طرفی با دستگیری گسترده افراد شناخته شده اصلاح طلب و تحت فشار گذاشتن دیگر فعالین آن، در جهت تکمیل پروژه خود در جهت کنار زدن رقیب گام برمیدارد.

جناح مقابل (اصلاح طلبان) اما از این انرژی رها شده مردم و اعتراض آنها، البته کنترل شده، اهرمی برای فشار به جناح رقیب می بیند.

اما پس از اینکه دامنه این اعتراضات وسیع تر شد، ولی فقیه با یک تاکتیک عقب نشینی با اعلام بازنگری و شمارش آرا و بررسی شکایت کاندیداها از مجراهای قانونی، نقشه خرید وقت و برگرداندن مردم از خیابانها به منزلهایشان را دارند، اما آب به جوی رفته برنمیگردد.

آنچه مشخص است این است که مردم نباید بگذرانند که وجه مصالحه و معامله جناحین رژیم برای حفظ کل نظام گردند. کسانی امثال موسوی، کروبی، رفسنجانی و امثالهم، از همین نظام هستند و بارها اعلام کرده اند که تمام خواسته ها و برنامه هایشان در جهت حفظ نظام است. بنابراین اگر این اعتراضات وسیع تر از آنچه هست، شود، مطمئنا این افراد هم درکنار کلیت نظام به دفاع از آن خواهند برخاست.

خود سازماندهی، سازمانیابی، تشکیل کمیته و شوراهای محله و شهری، در محیط های کارگری، دانشجویی و ... اعتصاب عمومی، فرابردن شعارها از مسائل انتخابات به خواسته های عمومی، همچون آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، حقوق کارگران و زنان، جدای دین از سیاست، دفاع از حقوق طبیعی اقلیت ها و ... که همه در انتها در تقابل با رژیم ولایت فقیه و سیستم استصوابی قرار دارند، گامی است که اگر برداشته نشود دوران سیاهی را برای همه ما به ارمغان خواهد آورد. فراموش نشود که پس از این باصطلاح انتخابات، پس از فر ریختن قبح رهبری و افراد برجسته رژیم در سطح عمومی و بطور علنی، نه رژیم همان رژیم سابق خواهد بود و نه مثل پیش از آن عمل خواهد کرد. در مقابل هم دیگر توهم و ترس این مردم از این رژیم ریخته است. دوران جدیدی آغاز شده، نقطه بی بازگشت.

پیروز باشید

روشنی

[g.roshani20@gmail.com](mailto:g.roshani20@gmail.com)  
<http://g-roshani.blogspot.com>